



ماهی که گذشت

از شنیدن خبر درگذشت دوست نازنینم احمد طاه
عراقی در روز شنبه چهاردهم اردیبهشت مانند دوس
دیگری که با او مانوس بودند سخت متأثر شدم. مر
بزرگترین حادثه‌ای است که برای هر کس اتق
می افتد. همه ما باید روزی طعم مرگ را بچشیم؛ ه
کس بتنهایی. هیچ کس نمی تواند در این تجربه
دیگری سهیم شود. اما مرگ کسانی که ما با آنان
مانوس بوده و در بخشی از مسیر زندگی با هم همسفر
شده‌ایم، دریچه‌ای را به زندگی آنان برویمان
می گشاید و تصویر دیگری از آنان بر ایمان می سازد.
مرگ سایه زندگی است و ما با ذکر مرگ خود سراپای
قامت وجود خود را مشاهده می کنیم. مرگ يك دوست
نیز سایه‌ای است از شخصیتی که ما در زندگی با آن
مانوس شده‌ایم. در روابط و مناسباتی که در طول
زندگی با او داریم، غالباً به امور جزئی توجه می کنیم و
در هر مصاحبت بخشی از قامت وجود او را در نظر
می گیریم، اما همینکه این راه به انتها رسید و سایه‌ای
که مرگ نام دارد در برابر ما ظاهر شد، شناخت دیگری
از دوست خود پیدامی کنیم و این بار در این سایه
سراپای حیات او را مشاهده می کنیم و به تمامیت
زندگی او می اندیشیم. تصویری که پس از مرگ يك
دوست بر ایمان پیدا می شود تصویری است جامع که
معمولاً از اولین دیدار و گاه از روز ولادت او آغاز
می شود و همه خصوصیات اخلاقی و آثاری که ما از او
می شناختیم در آن ظاهر می گردد.

وقتی از گورستان بهشت زهرا برمی گشتم، چنین
چهره‌ای از دکتر طاهری در نظرم مجسم شده بود. به
یاد روزی افتادم که اولین بار او را در لندن دیدم. در
دانشگاه ادینبورو مشغول تمام کردن رساله دکترای
خود بود. پیش از اینکه او را ببینم از طریق آثارش با او
آشنا شده بودم. شش سال پیش از آن، اولین بار اسم او
را در روی جلد کتاب قدسیه دیده بودم. سال ۱۳۵۵
بود و او تازه این اثر را تصحیح و چاپ کرده بود.
قدسیه يك اثر درجه يك نبود، ولی کاری که دکتر
طاهری در تصحیح و تحشیه آن کرده بود يك کار درجه
اول بود. از لحظه‌ای که این کتاب را دیدم به مصححی

که نمی‌شناختم آفرین گفتم. احساس کردم يك نفر پیدا شده است که روش علمی و انتقادی تصحیح متون را بخوبی می‌داند.

از وقتی که به ایران برگشته بود معاونت علمی بنیاد دائره المعارف اسلامی را به عهده گرفته بود و تقریباً همه وقت و همت خود را بر سر تهیه دانشنامه جهان اسلام گذاشته بود. من مدیر عامل بنیاد بودم، ولی عملاً همه کاره او بود. اولین جزوه دانشنامه را تازه منتشر کرده بود و هنوز خستگی شش هفت سال کار مداوم و طاقت فرسا از تنش بیرون نرفته بود که خود از میان ما رفت.

طاهری مردی بود متین، با ظاهری آرام و باوقار. به فرهنگ و تمدن اسلامی شدیداً عشق می‌ورزید، عشق و علاقه‌ای که با ایمانی راسخ به دین اسلام توأم بود. روحیه علمی در وجود او به کمال رسیده بود. او يك محقق واقعی بود و حاضر بود همه چیز خود را در راه تحقیق و بازشناسی آثار تمدن اسلامی فدا کند. افسوس که مرگ امان نداد تا جامعه علمی ما قدر او را، آنچنانکه باید، بشناسد. من کمتر کسی را می‌شناختم که بتواند جای خالی او را از هر جهت پر کند.

دکتر طاهری را تنی چند از اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی از نزدیک می‌شناختند و از فضائل و کمالات و وسعت اطلاعات او در منابع ادب فارسی و تحقیقاتی که در این زمینه انجام داده بود کم و بیش آگاه بودند، و به همین جهت در نظر داشتند که او را نامزد عضویت در فرهنگستان کنند.

*

مراسم ترحیم دکتر طاهری بعد از ظهر سه شنبه ۱۷ اردیبهشت در مسجد دانشگاه تهران برگزار شد. بعد از مراسم، اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی که بیشتر آنها در مجلس ترحیم شرکت کرده بودند، طبق قراری که گذاشته شده بود، در تالار رشیدالدین فضل‌الله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران جمع شدند و دومین جلسه فرهنگستان را تشکیل دادند. در ابتدای جلسه، آقای دکتر حسن حبیبی که ریاست جلسه را به عهده داشت از سه تن از ادبا و محققانی که

در ماههای گذشته چشم از جهان فرو بسته بودند یاد کرد: از دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر مشایخ فریدنی، و دکتر احمد طاهری عراقی.

دکتر یوسفی خود عضو فرهنگستان بود. با درگذشت او یکی از تعداد اعضای اصلی فرهنگستان کاسته شده بود و اعضای حاضر می‌بایست عضو دیگری را به جای او انتخاب کنند. دوازده عضو حاضر بودند و دو نفر هم، یکی به علت مسافرت و دیگری به علت کسالت، غایب. اعضای حاضر ابتدا اشخاصی را نامزد کردند و سپس به رأی‌گیری پرداختند. انتخاب هر عضو جدید مستلزم دوسوم آرای کل اعضاء یعنی ده رأی بود. متأسفانه یکی از اعضای حاضر از دادن رأی خودداری کرد. از یازده نفر حاضر ده نفر به آقای عبدالمحمد آیتی رأی دادند و بالتبصره ایشان به عنوان عضو جدید انتخاب شد. نامزدهای دیگری هم بودند که به هر يك از آنان اکثریت اعضاء رأی دادند، ولی مجموع آراء به علت قلت اعضای حاضر به حد نصاب نرسید.

جلسه دوم فرهنگستان که بعد از هفت ماه تشکیل می‌شد با انتخاب يك عضو جدید به کار خود خاتمه داد. دستور جلسه بعدی انتخاب اعضای جدید و رئیس فرهنگستان است.

*

ده روز پس از دومین اجلاس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در تالار علامه امینی که درست مقابل تالار رشیدالدین فضل‌الله است مراسمی با نام سمینار «زبان فارسی، زبان علم» افتتاح شد. بانی سمینار مرکز نشر دانشگاهی بود. مرکز در سالهای گذشته سه سمینار دیگر درباره زبان فارسی ترتیب داده بود که یکی از آنها دقیقاً به مسأله زبان علم و اصطلاحات علمی در فارسی اختصاص داشت.

مسأله اصطلاحات علمی و ترجمه آنها به فارسی بدون شك یکی از بزرگترین و دشوارترین مسائل زبان فارسی است. همه کسانی که با علوم جدید و فنون و صنایع سرو کار دارند با مشکلاتی که اصطلاحات علمی و اسامی فرنگی ابزارها و ماشین آلات برای

فارسی ایجاد کرده است کم و بیش آشنایی دارند. مرکز نشر دانشگاهی به دلیل ماهیت کاری که به عهده دارد شاید بیش از هر مؤسسه و سازمان دیگری ابعاد و عمق این مسأله را درک کرده است. این مرکز هم اکنون بزرگترین ناشر کتابهای علمی و دانشگاهی است و کم و بیش هفته‌ای سه کتاب یا نشریه علمی به زبان فارسی منتشر می‌کند. موضوع این کتابها و نشریات همه رشته‌های علمی را دربر می‌گیرد، و نویسندگان و مترجمان و ویراستاران مرکز در همه رشته‌ها همواره با يك معضل اصلی روبرو هستند و آن اصطلاحات و واژه‌های علمی و فنی است.

مسأله زبان علم صرفاً مسأله اصطلاح و واژه نیست. این مسأله چندین جنبه و بُعد دارد. پیدا کردن یا وضع واژه‌های فارسی برای واژه‌های فرنگی یکی از ابعاد این مسأله است. يك جنبه دیگر مسأله چگونگی ساخت جمله‌ها و نحوه بیان مطالب علمی است. اهمیت این جنبه برای زبان فارسی از واژه‌سازی و واژه‌یابی کمتر نیست.

در اولین سمیناری که مرکز نشر درباره «زبان فارسی، زبان علم» برگزار کرد تأکید سخنرانان بیشتر بر جنبه واژه‌سازی و واژه‌یابی بود. اما در دومین سمینار که پس از هفت سال تشکیل می‌شد، جنبه دیگر مسأله زبان علم، یعنی چگونگی بیان یا شیوه انشای مطالب علمی نیز مورد توجه واقع شد.

مسأله زبان علم مسأله‌ای است که يك ناشر دانشگاهی بخصوص با آن مواجه است. اما این مسأله فقط در مورد کتابها و نشریات دانشگاهی پدید نمی‌آید. نویسندگان کتابهای دبیرستانی و حتی دبستانی هم با این مسأله روبرو هستند. علاوه بر این، مراکز دیگری چون رادیو و تلویزیون و حتی مؤسسات صنعتی نیز از این مشکل برکنار نیستند. در واقع یکی از موانعی که امروزه در راه تحول و تکامل زبان فارسی به عنوان يك زبان علمی وجود دارد، کم توجهی و حتی گاهی بی توجهی این مراکز و مؤسسات به این مسأله است. دانشگاهها و ناشران دانشگاهی بیش از پیش بر اهمیت این مسأله واقف شده و راه‌حلهایی هم برای بعضی از جنبه‌های آن پیدا کرده‌اند. ولی متأسفانه این

راه‌حلهای کمتر مورد استفاده مراکز و مؤسسات دیگر، بخصوص رادیو و تلویزیون، واقع شده است. از جمله نکاتی که در این سمینار مورد تأکید واقع شد، لزوم همکاری و هماهنگی میان مراکز و دستگاههای مختلف، دانشگاهها و ناشران دانشگاهی، مؤسسات صنعتی، رسانه‌های همگانی، بخصوص رادیو و تلویزیون، و همچنین مؤسسات آموزش و پرورش و کتابهای دبستانی و دبیرستانی بود.

سمینار «زبان فارسی، زبان علم» پس از سه روز، با ارائه حدود بیست سخنرانی به کار خود خاتمه داد. در مراسم اختتامیه میزگردی تشکیل شد که در آن جمعی از استادان و زبان‌شناسان شرکت کردند. مهمترین نکته‌ای که در طول سمینار و بخصوص در میزگرد روز آخر بر آن تأکید شد، ادامه این نوع فعالیتهای جمعی و ایجاد هماهنگی میان محققان و دستگاههایی بود که کار آنها آموزش علوم است. جنبه‌های مختلف مسأله زبان علم در زبان فارسی روز بروز بیشتر مورد توجه واقع می‌شود، و محققان و ناشران و مؤسسات پژوهشی مختلف هر يك قدمهایی در راه حل این مسأله برمی‌دارند. اما این تحقیقات و فعالیتها باید اولاً هماهنگ شود و ثانیاً حاصل آنها توسط محققان دیگر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا سرانجام بتوان از آنها عملاً استفاده نمود. یکی از وسایلی که می‌تواند در ایجاد این هماهنگی مؤثر واقع شود انتشار نشریه یا نشریات ادواری در خصوص مسأله زبان علم در زبان فارسی است. ولی اهمیت این مسأله و لزوم رسیدگی به آن اقتضا می‌کند که نهاد خاصی تولیت این کار را به عهده گیرد و نه تنها از لحاظ برنامه‌ریزی تحقیقات و جهت دادن به آنها کمک کند، بلکه از لحاظ مالی و مادی نیز هزینه‌های این نوع تحقیقات را تأمین کند. مناسب‌ترین نهاد هم البته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، فرهنگستانی که عظمت و فوریت این مسأله و مسائل دیگر زبان فارسی را درک کند و بتواند حرکت خود را با شتابی که در هجوم این مسائل بر پیکر زبان فارسی وجود دارد متناسب نماید.

نصرالله پورجوادی